



کارگران جهان متحد شوید !

ارگان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست فروردین ماه ۱۳۹۸ // شماره - ۱۶۵



کار ، مسکن ، آزادی

**بیانیه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بمناسبت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۹۸)
با شعار کار - مسکن - آزادی، به استقبال اول ماه مه برویم .**



کارگران مبارز !

روز اول ماه مه روز تجلی همبستگی کارگران سراسر جهان، روز گرامی داشت سنت های انقلابی جنبش جهانی طبقه کارگر برضد ستم و استثمار سرمایه داری، برضد جنگ و ویرانگری، برضد نابرابری جنسیتی و برضد سرکوب آزادیهای سیاسی ومدنی... را به شما کارگران ایران و جهان شادباش میگوئیم.

ادامه در صفحه ۳

برآمد جنبش کارگری در ایران و چشم اندازهای آن

پس از گذشت 40 سال از قیام بهمن 57 و فراز و نشیب فراوان ، امروز جامعه ایران آستن تغییر و تحولات زیادی است که ما نشانه های این تغییر و تحولات را می توانیم در جنبش های توده ای بویژه کارگری ببینیم ، از اعتصاب و تظاهرات کارگران و زحمتکشان جامعه گرفته تا گسترش جنبش دانشجویان و جنبش زنان ، فرهنگیان و بازنشستگان و فعالان محیط زیست و ...

ادامه در صفحه ۴

درباره حداقل دستمزدهای امسال

بر اساس تصمیم شورای عالی کار و با تمهیداتی که از اواخر نیمه دوم سال 97 تدارک دیده شد، حد اقل دستمزد کارگران تنها تا سقف 400 هزار تومان افزایش یافت. طبق این مصوبه که در اواخر سال گذشته اعضای شورا روی آن توافق کردند، حد اقل حقوق کارگران در سال جاری به یک میلیون و 517 هزار افزایش یافت . اسفند سال گذشته حد اقل دستمزد یک میلیون و 112 هزار تومان بود.

ادامه در صفحه ۱۱

در صفحات دیگر :

- * اول ماه مه روز نمایش قدرت کارگران علیه سرمایه است . (اطلاعیه مشترک شش جریان صفحه ۵
- * بمناسبت سی و یکمین سالگرد قتل عام توده های زحمتکش کرد..... صفحه ۶
- * انقلاب ایران و وظایف پرولتاریا صفحه ۵

ادامه در صفحه ۲

نگاهی به مهمترین چالشهای طبقه کارگر ایران در سال گذشته و برخی مطالبات و شعارهای ضروری

اول ماه مه بمنابه روز تجلی همبستگی کارگران سراسر جهان هرساله در کشورهای مختلف جشن گرفته میشود. میزان مشارکت کارگران و طرح شعارها و مطالبات آنها بستگی به شرایط مبارزه کار علیه سرمایه و نیز به این مربوط میشود که کارگران آن کشور تا چه حدی از آگاهی طبقاتی و سوسیالیستی برخوردار هستند. برخورداری از این معیارها که بی شک از پروسه مبارزاتی و افت خیزهای آن سرچشمه میگیرد ، تعیین کننده استحکام نظری و عملی طبقه کارگر آن کشور و تجلی مبارزات آنها در سالهای گذشته بویژه یکسال گذشته میباشد. صد البته نباید شرایط محیط زیستی کارگران و تاثیر آن را درافت و خیزها و سطح آگاهی و تشکل طبقه کارگر از مد نظر دور داشت.

معمولا فعالین جنبش کارگری و کمونیستی در آستانه اول ماه مه هرسال در تجمعات و تشکلهای و محافل مختلف خود به تجزیه و تحلیل مبارزات یک سال گذشته و جمع بندی از نقاط قوت و ضعف خود در این مبارزات اختصاص میدهند. مطالبات و خواست های خود را بررسی و هماهنگ میکنند. اشکال مختلف مبارزه در گذشته ، حال و آینده را مورد ارزیابی قرار میدهند و برنامه و تاکتیکهای جدید خود را انتخاب میکنند .

نگاهی به مهمترین چالشهای طبقه کارگر ایران در سال گذشته

و برخی مطالبات و شعارهای ضروری

یدی شیشوانی

زنان و جوانان و نوجوانان طبقه کارگر گرفته و زندگی آنها را به تباهی کشانده است.

با این همه فشارهای اقتصادی و سیاسی، اما غیرقابل انکار است که طبقه کارگر ایران در سال گذشته در تداوم همین مبارزات قدمهای بزرگی به پیش برداشت. صد ها اعتصاب و، تجمع و تظاهرات برای کسب مطالبات کارگران، توسط پیشروان کارگری و رهبران عملی آنها سازمانده شده. مبارزات و مطالبات از جنبه های اقتصادی فراتر رفت و خواست های سیاسی را نیز دربرگرفت. مبارزات کارگران صنایع فولاد و نیشکر هفت تپه با طرح خواستها و مطالبات رادیکال و انقلابی، سازماندهی شورائی محیط کار و کشاندن مبارزات و اعتراضات به خیابانها، سخنرانیهای افشاگرانه و آگاهی بخش و دارای مضامین سیاسی و درخواست دگرگونیهای عمیق اجتماعی، طرح شکل شورائی اداره امور و کسب پشتیبانی بخش مهمی از تشکلهای سایر کارگران و حقوق بگیران جامعه از مبارزات و مطالبات و شعارهای کارگران، نمونه های بارز و درخشانی بودند که نشان از ارتقاء سطح آگاهی و روحیه رزمندگی بخشی از کارگران در صنایع بزرگ و کلیدی داشت.

با این همه محرومیت ها و بگیر و ببند ها مکتب اعتصابات گسترده سالهای اخیر بسیاری از کارگران را به عامل اصلی ادبار خود که همانا نظام سرمایه داری است، آگاه کرده است و از ضرورت گسترش این مبارزه به ضرورت تشکل و تحزب رهنمون میشود و بتدریج ولایه های مختلفی از کارگران ایران در جریان همین مبارزات درک خواهند کرد که برای برون رفت از وضعیت موجود جز دگرگون کردن آن به قوت و اراده خود راهی نداشته و ندارد.

بعنوان مثال اگر کشورهای اروپائی و بویژه اسکانداویوی را در نظر بگیریم، طبقه کارگر در این کشورها نیز در نتیجه اعمال سیاست های نئولیبرالیستی با بیکارسازیهای دسته جمعی، تورم و کاهش دستمزد های واقعی و از دست دادن دست آوردهای چندین ده ساله خود مواجه بوده اند، اما حد اقل تا کنون توانسته اند برخی از دست آوردهای خود را هر چند بصورت تعدیل یافته، حفظ کنند. نظیر برخورداری از حق بیکاری، بیمه های اجتماعی، حق اولاد، حق مسکن حق تشکل اعتصاب و غیره. در حالیکه کارگران ایران از تامین اجتماعی همه شمول، از حقوق بیکاری، تضمین شغلی و از حق تشکل و تحزب محروم اند. با این حال بین سطح دستمزد ها با قدرت واقعی خرید کارگران. محرومین جامعه شکافی پرنشدنی وجود دارد که در نتیجه تورم داخلی و انتقال رکود و تورم سرمایه جهانی و برداشته شدن سوبسید کالاهای ضروری، رانت خواری، اختلاس، دزدی عدم پرداخت بموقع حقوق و دستمزدها، این شکاف هر ساعت و روز بیشتر و بیشتر میشود. عدم پرداخت حقوق و دستمزدها، سردواندن و خسته کردن کارگران، همزمان فشار و تهدید برای قبول تصمیمات ضد انسانی و ضد کارگری کارفرماها، زیر سرنیزه نیروهای امنیتی به صورت وسیعی اعمال میشود. گروه گروه کارگران رسمی اخراج و به جای آنها تعداد کارگران کمتری را با قرارداد های برده ساز و موقت و یا دستمزدی اندک به کار میگیرند. ناهنجاریهای اجتماعی محرومیت های وصف ناپذیر دامنه کودکان،

در آستانه اول ماه مه هر سال فعالین جنبش کارگری و کمونیستی ایران نیز درباره وضعیت عمومی جنبش کارگری و سطح مبارزات و مطالبات آنها مطالب و جمعبندهای گوناگونی منتشر میکنند. در این نوشته ها و تجزیه و تحلیل ها اختلاف نظرات زیادی را میتوان برشمرد که گویای نظرات گرایشهای مختلف کارگری است. اما میتوان مدعی شد که برغم این اختلافات همه متفق القولند که تعرض گسترده نظام سرمایه داری به دست آوردهای طبقه کارگر در سرتاسر جهان، از چند دهه قبل آغاز شده و تحت عنوان سیاست های «نئولیبرالیستی» و «بازار آزاد» به همه کشورهای جهان گسترش داده شده است و مبارزات طبقه کارگر و زحمتکش را تحت تاثیر شدید قرار داده است. و بسیاری از دستاوردهای سالیان گذشته طبقه کارگر را از آنها پس گرفته اند و هر جا که توازن قوا بدلیل سطح پائین تشکل و آگاهی طبقه کارگر و زحمتکش جامعه، به نفع سرمایه داران بوده است، بی مهابا میلیونها کارگر و زحمتکش را از هستی ساقط و به برده های نوین سرمایه داری تبدیل نموده اند.

در این میان کارگران ایران وضعیتی بمراتب وخیمتر را تجربه میکنند. چون علاوه بر تحمل مصائب و محدودیتها و ستم و استثمار و سرکوب نظام مذهبی و سرمایه داری ایران، اکنون تبعات پیاده کردن سیاست های نئولیبرالی سرمایه جهانی را که بشکل وحشیانه ای توسط طبقه سرمایه دار و نظام اسلامی حاکم پیگیری و پیاده میشود را نیز برگرده خود حمل میکنند.

بیانیه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بمناسبت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۹۸) با شعارکار - مسکن - آزادی، به استقبال اول ماه مه برویم .

آگاهی طبقاتی و اتحاد صفوف خود علیه سرمایه داری دارد. اول ماه مه فرصتی است که کارگران پیشرو و فعالین کارگری با ارزیابی شرایط مشخص کنونی و چشم انداز آینده، برنامه و روشهای موثری را بر طرح مطالبات و اشکال مبارزات خود اتخاذ کنند.

اوضاع اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ایران و منطقه شرایطی را بوجود آورده است که امسال میتوان برگزاری تظاهرات اول ماه مه را بطور گسترده تر از سالهای قبل تدارک دید. اماموفیت و لواندک در این زمینه، نیاز به اتحاد صفوف گروه های پیشرو کارگری دارد که عملاً درگیر مبارزات روزمره کارگران هستند و از مطالبات اقتصادی و سیاسی آنها اطلاعات دقیق و عینی دارند. مطالباتی که بتواند کارگران بیشتری را بسیج کرده و به میدان بیاورد و یا حداقل انعکاس موثری در ذهنیت توده کارگران برجای بگذارد.

کارگران مبارز و پیشرو

در سال جدید کارگران ایران برای رسیدن به خواست ها و مطالبات اقتصادی و سیاسی خود با دشواریهای زیادی مواجه اند، اما با توجه به تشدید فشار اقتصادی و سیاسی در سطح جامعه و اعتراضات عمومی گسترش یابنده علیه نظام حاکم، آنچه که ویژگی کنونی محسوب میشود و میباید یکی از وظایف اصلی جنبش کارگری بو یژه فعالان و پیشروان کارگری دانسته شود، ارتقاء سطح آگاهی و افزایش نقش کیفی طبقه کارگر در مبارزات سایر زحمتکشان از طریق تلفیق درست مبارزه اقتصادی با مبارزه سیاسی برضد نظام حاکم است. بطریق اولی تحکیم پیوند جنبش کارگری با جنبش توده های زحمتکش مردم، بیکاران، جوانان، زنان، خلقهای تحت ستم

به یک قرن پیش بر علیه بورژوازی، ارتش و گروه های فشار در آمریکا آغاز کردند، همچنان ادامه میدهند. در سالهای اخیر در نتیجه تشدید بحران سرمایه داری در سراسر جهان فشار اقتصادی و سیاسی به کارگران و تشکلهای کارگری افزایش یافته است. در مقابل این تعرضات کارگران در کشورهای مختلف از جمله در ایران نیز به اشکال گوناگون به مبارزه و مقاومت ادامه دادند. در سهای این دوران مبارزات نیاز به اتحاد و همبستگی کارگران جهان برای مقابله با تعرضات سرمایه را به اتخاذ تاکتیکها و روش های تعرضی بیشتر علیه سرمایه سوق میدهند.

کارگران مبارز ایران

طبقه کارگر یک طبقه جهانی است و مبارزات کارگران یک کشور، از مبارزه هم طبقه های خود در سایر نقاط جهان جدانیست. سال گذشته برغم تشدید خفقان و سرکوبگریهای نظام سرمایه داری حاکم بر ایران، مبارزات کارگران نیز در شکل اعتصابات، تظاهرات و اشکال دیگر مبارزه بر علیه تعرض بیرحمانه سرمایه داران و دولت سرکوبگر آنها ابعادی گسترده یافت. متعاقب کارگران، زنان، معلمان، پرستاران و خلقهای تحت ستم نیز برای تحقق خواست ها و مطالبات خود وارد میدان شدند. روشن است که با تشدید مداوم بحران اقتصادی و تداوم ستمگری و سرکوبگری طبقه حاکم، مبارزات کارگران و زحمتکشان هر چه گسترده تر خواهد شد. هم اینک طلوع تشدید مبارزه طبقاتی و اعتلای جنبش کارگری در حال دمیدن است. در این پیکار طبقه کارگر نیاز به تشکل

... سالی که گذشت شاهد ادامه بحران سرمایه داری در سطح جهان و تشدید تعرض به حقوق و معیشت کارگران بودیم. برغم همه ادعاهای نظریه پردازان مدافع سرمایه مبنی گذرابودن معضلات گریبانگیر سیستم سرمایه داری، اما تداوم بحران نشاندهنده این امر است که بحران دامنگیر نظام سرمایه داری نه بحرانی موقتی بلکه نمایانگر شکست اصلی ترین پایه و قانون سرمایه داری همچون «بازار آزاد» قابلیت قانون سرمایه داری در معضلات کنونی و نیز نشانگر شکست سیاست های اقتصادی نئولیبرالیستی است که بعنوان راه برون رفت از بحران اقتصادی سالهاست توسط ستاد های سرمایه جهانی اعمال میشود، و نتایج آن جز تشدید استثمار، کاهش بودجه عمومی در عرصه های نظیر بهداشت، خدمات اجتماعی، آموزش و پرورش عمیق تر شدن شکاف طبقاتی و تشدید جنگ و کشتار، نتیجه دیگری در بر نداشته است. موقعیت بحرانی نظام سرمایه داری متقابلاً طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان را در سطح وسیعی به سمت مبارزه سوق داده است و سال گذشته شاهد گسترش اعتراضات و اعتصابات ضد سرمایه داری توده های کارگر و زحمتکش در کشورهای مختلف جهان، از جمله در کشورهای معظم سرمایه داری بودیم.

اکنون در آستانه اول ماه مه دیگری هستیم و کارگران جهان بار دیگر در تدارک اند، تا مراسم های روز اول ماه مه امسال را هر چه باشکوه تر برگزار کنند. طبقه کارگر در سرتاسر جهان راه پیمائی شورانگیزی را که نیم میلیون کارگر نزدیک

برآمد جنبش کارگری در ایران و چشم اندازهای آن

متن سخنرانی رفیق سالار در سمینار پیرامون (برآمد مبارزات کارگری در ایران و چشم اندازهای آن)

بخش شده از اعتصابات و اعتراضات کارگران بنگریم در می یابیم که حضور زنان در میان کارگران و زحمتکشان صرفاً جهت پشتیبانی کردن از همسران و فرزندانشان نیست بلکه آنان خود تریبون را در دست گرفته و صدا و تصویر کارگران شده اند و این نشانه‌دهنده‌ی اراده‌ی زنان برای از میان برداشتن تمامی نموده‌های حاکمیت طبقاتی است. آنان با حضور خود به کارگزاران بورژوازی یادآور شدند که آزادی زن فراتر و بسیار وسیعتر از فقط کسب ازادیهای دمکراتیکی است که در فرهنگ خرده بورژوازی ویترونی، آزادی‌های یواشکی و چهارشنبه‌های سفید برای آن تبلیغ میشود بلکه خواست‌های عمیقاً طبقاتی و سوسیالیستی نیز هست.

سخنرانی‌ها و شعارهای کارگران در جریان اعتصابات و اعتراضات گواه این امر مهم است که امروز طبقه کارگر ایران با کوله باری از تجربه‌ی شکست‌ها و پیروزی‌های چندین دهه مبارزه در مسیر رسیدن به آگاهی طبقاتی گام برمیدارد و رو به اعتلا میرود. در گذشته اگر کارگران به تشکلهای صرفاً اقتصادی و صنفی پسنده میکردند اما امروز خواستار اداره شورایی هستند. سندیکا به طور معمول یک نهاد صنفی مشاغل است که تنها شامل اعضای خود یعنی کسانی که حق عضویت می‌پردازند می‌باشد و وسیله‌ی تدافع کارگران در مقابل استثمار بیش از حد سرمایه دار است اما شوراهای کارگری اگرچنانکه دارای محتوای انقلابی و سوسیالیستی باشد هدفشان نه تضعیف استثمار بلکه نابودی آن است و یا بر اساس شرایط موجود برداشتن موانعی که هنوز بر سر راه نابودی و محور استثمار است.

ویژگی دیگر اعتصابات و اعتراضات کارگران و توده‌های محروم جامعه در دامنه دار بودن و گستردگی آن است. طبق آمار موجود از ۱۱ اردیبهشت ۹۶ یعنی روز کارگر تا ۱۱ اردیبهشت ۹۷ ما حدود شش هزار اعتراض کارگری در ایران داشتیم یعنی تقریباً روزی ۱۷ اعتراض و اغتصاب کارگری که هنوز هم در گوشه و کنار کشور ادامه دارد، اعتراضاتی که چندین قدم جنبش کارگری را به پیش برده. برخلاف آنچه که خبرگزاریهای ضد انقلاب داخلی و خارجی همچو بی بی سی، ایران انترنشنال و من و تو و شوالیه‌های پوشالی ناسیونالیست، سلطنت طلب سعی داشتند که این اعتراضات را صنفی قلمداد کنند و یا انرا مصادربه مطلوب کنند، اما مطالبات صنفی بخشی از این اعتراضات بود که در روند خود به اعتراضات و مطالبات سیاسی تحول پیدا کرد و گواه این امر هم شعارهای داده شده در این اعتراضات هست بقول مائو انتخاب شعار تعیین کننده استراتژی است، کارگران و زحمتکشان با شعارهای خود نه تنها هدف و خواستشان که سرنگونی جمهوری اسلامی با تمام جناح‌ها و دسته‌هایش را در تریبون خیابان اعلام کردند بلکه الترناتیو خود را هم که همانا اداره‌ی شورایی است را ارائه دادند.

ویژگی دیگر این اعتراضات که حائز اهمیت است حضور چشم گیر زنان در صفوف کارگران معترض بود، چنانچه به کلیپ‌های

... همگی نشانه‌های این تحول تازه بشمار می‌آید. جامعه ایران در دوران حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی حرکات و جنبشهای متعددی را شاهد بوده، اما اعتراضاتی که ما در یکی دو سال گذشته شاهدش بودیم در مقایسه با جنبشهای گذشته چند ویژگی منحصر به خود و برجسته را دارد که به چند نمونه آن اشاره میکنم.

یکی اینکه برخلاف اعتراضات گذشته مثلاً سال ۸۸ و یا کوی دانشگاه را اگر در نظر بگیریم که عمدتاً قشر متوسط در آن نقش داشتند، از اعتراضات ۹۶ کارگران و زحمتکشان و کلا اقشار محروم جامعه بودند که در آن نقش داشتند و این توانایی را داشتند که به شعارهای که تا قبل از این اعتراضات از دید برخی چپ روانه ویا غیر عملی بودند جامعه عمل ببوشاند و طنین شعارهای همچون " کارگر، دانشجو، معلم، اتحاد اتحاد " دیوارها و موانع بین کارخانه و مدارس و دانشگاه را فرو ریخت. بسالیان گذشته بدلیل شرایط دیکتاتوری و سرکوب، هرگونه ارتباط ما بین طبقه کارگر و اقشار اجتماعی همچون زحمتکشان، فرهنگیان، کارمندان و غیره در سطحی پایین قرار داشت اما در جریان اعتصابات و اعتراضات ما شاهد بودیم که اقشار مختلف جامعه اعلام پشتیبانی از کارگران کردند و در گوشه و کنار کشور با برپایی تجمعات بصورت عملی/پشتیبانی خود را از اعتصابات و اعتراضات کارگری اعلام کردند.

زنانی اسیر تبعیض و بازنشستگانی رها شده در فقر و مسکنت، ترس از بیکاری در کشوری که بزور سرنیزه و خفقان اداره می‌شود. در کشوری که میلیونها بیکار و کودک خیابانی وجود دارد و زندانها پر است از زنان و مردان کارگر و آزادیخواه. در کشوری که حقوق کارگر چندین برابر زیر خط فقر و حتی فلاکت است و سرمایه داران هر سال تحت عنوان حداقل مزد، به ارزش واقعی آن دستبرد می‌زنند. جایبکه زنان کارگر، بمثابه انسان درجه دوم علاوه بر شدت استثمار وسیعاً زیر بار ستم مضاعف تباه می‌شوند! در کشوری که هرگونه اعتراض و مطالبه کارگری و آزادیخواهانه با زندان و شکنجه و مرگ مشکوک پاسخ می‌گیرد. در جایی که حاکمیت سرمایه داران تلاش می‌کند رهبر کارگری مثل اسماعیل بخشی را به جرم دفاع از کارگر همچون صدها فعال اجتماعی زندانی و وادار به اعتراف اجباری کند. در کشوری که تشکل مستقل جرم محسوب می‌شود. در کشوری که در فساد و رشوه خواری غرق است و حکومتش نه تنها در مقابل بلایای طبیعی چاره‌اندیشی و پیشگیری نمی‌کند بلکه خود با عملکرد سودمحور در خدمت منافع سرمایه داران سرگرم تخریب محیط زیست و از عوامل تشدید خسارات این اتفاقات طبیعی است. اتفاقاتی که بیش از همه کارگران و زحمتکشان را آماج خانه خرابی و بی پناهی قرار می‌دهد! در کشوری که خفقان و دیکتاتوری سابقه ای مزمز و نهادینه شده دارد و هیچ نیرویی به جز طبقه کارگر قادر به تامین آزادی و برابری نیست! در چنین شرایطی، راهی جز پیروزی و بدست گرفتن اداره جامعه توسط کارگران و زحمتکشان متشکل در شوراها وجود ندارد و ما برای

اول ماه مه روز نمایش قدرت کارگران علیه سرمایه است .

1 MAY



(اطلاعیه مشترک شش جریان)

درکنار "نان، کار، آزادی، از" زندگی شورایی «از تشکل شورایی و از» اداره شورایی «سخن گفتند! بیهوده نیست که سرمایه داران بر خود می‌لرزند! و همه سرها بسوی طبقه کارگر برگشته است!

کارگران مبارز! رفقا!

شما از طلايه های يك انقلاب سخن گفته‌اید. شما توانسته اید در مبارزه جاری طبقاتی جایگاه خود را نشان دهید. از اینرو جوانان و دانشجویان با افتخار فریاد می‌زنند «فرزند کارگرانیم». «کمتر اعتراضی است که توسط مردم زحمتکش صورت گیرد و حمایت خود از کارگران را نشان ندهد. اینها و صدها نمونه دیگر همراه با اعتصابات و اعتراضات بی وقفه در سال گذشته نشان می‌دهند که طبقه کارگر برای رهبری مبارزات اجتماعی بر علیه سرمایه و برای انقلاب رفته رفته مهیا می‌شود. هزینه‌هایی که در اشکال دستگیری و سرکوب و کنترل می‌پردازیم بهای این موقعیت پیش رونده است.

همه شواهد دال بر آنست که ما بعنوان بخش های مختلف مبارزه یکپارچه اردوی کار در مقابل سرمایه و متعلق به کمپ کارگر و سوسیالیزم در ایران، جز انقلاب و پیروزی به رهبری کارگران راه دیگری نداریم. فقر دامنگیر و سفره های خالی، کودکان گرسنه،

کارگران !

شادباش های ما را به مناسبت اول ماه مه بپذیرید!

در آستانه یازده اردیبهشت و اول ماه مه قرار داریم! روز همبستگی جهانی کارگران!

روزی که کارگران جهان رودر روی سرمایه داران و قوای سرکوبشان به خیابان می‌آیند و سرنگونی حاکمیت سرمایه را نوید میدهند. روز مبارزه و چاره جویی طبقه کارگر در تمام جهان برای خلاصی از استثمار و بحران های کمرشکن سرمایه داری. روز نمایش قدرت کارگران علیه سرمایه است. سالی که گذشت در بعد جهانی سال تعمیق بحرانهای مزمز سرمایه و بن بست راهکارهای سرمایه دارانه و در راس آنها سیاست های نئولیبرالی و گسترش عمق و دامنه شکاف های طبقاتی و در عوض سال رشد اعتراضات اجتماعی در سطح بین المللی بود. در این سال، استثمار باز هم شدت گرفت و فقر عمومیت بیشتر یافت.

سالی که گذشت اما برای کارگران ایران در کنار فقر و سرکوب همیشگی یک نکته درخشان داشت. زیرا که از قدرت سیاسی سخن گفتند و خط قرمزها و قوانین حکومت سرمایه داران را زیر پا نهادند. آنها از روی نعش اصلاح طلبی و اصول گرایی گذشتند و

اطلاعیه مشترک شش جریان ...

بمناسبت سی و یکمین سالگرد قتلعام توده های زحمتکش کرد

انفال در روستای «سیوسینان» انجام گرفت که منجر به کشته شدن 80 نفر از اهالی شد و دور بعدی در «گرمیان» در بیستم آوریل انجام شد و هزاران کرد سوار کامیونها از روستاها به بیرون برده شدند و و سپس 728 روستا با خاک یکسان شدند. سپس سایر روستاها بمباران و بسیاری از اهالی قتل عام شدند و یا در فرار از جهنمی که بر علیه شان برپا شده بود، از گرسنگی و تشنگی جان دادند و برخی دیگر داخل کامیونها ریخته شده و به خارج منطقه منتقل شدند که هیچ وقت از سرنوشت آنها اطلاعی بدست نیامد. چهارم آگوست به منطقه «به‌دینان» حمله شد و گفته میشود بیش از دویست هزار سرباز ارتش عراق در این عملیات شرکت داشتند. از اهالی این منطقه، آنهاییکه توانستند فرار کردند اما بقیه به دست سربازان صدام گرفتار شدند و بی رحمانه به قتل رسیدند. در این عملیات بیش از سه هزار روستای کرد ویران و نزدیک به 200 هزار از توده های تحت ستم کرد، از پیرو جوان و کودک شیرخوار به قتل رسیدند. تاریخ این قتل عام و سکوت دول امپریالیستی و تمامی ارگانها و موسسات مدافع حقوق بشر که در آن زمان مهر سکوت بر لب زدند فراموش نخواهد کرد. باشد تا یاد جانباختگان این فاجعه بزرگ هشدار باشد تا توده های زحمتکش مردم کردستان دوستان و دشمنان خود را بشناسند و برای رسیدن به جامعه ای آزاد و بری از ستم و استثمار و زور سرکوب آگاه تر و مصمتر به مبارزه ادامه دهند.

مردم زحمتکش کردستان در طول تاریخ همواره مورد ستم و سرکوب و کشتار دولت های حاکم بر چهارپارچه کردستان بودند و یکی از وحشتناکترین آنها قتل عام نزدیک به 200 هزار مردم کردستان عراق از پیر و جوان توسط رژیم صفاک این کشور در 31 سال قبل بود. در اواخر مارس سال 1988 رژیم حاکم بر عراق بسرکردگی صدام حسین در نقشه از پیش طراحی شده موسوم به «انفال» از منطقه «گرمیان» تا «بادینان» بیش از 180 هزار انسان را به نحو بی رحمانه ای قتل عام نمود. رژیم صدام حسین قبل از آن در 16 مارس همانسال حلبچه را با بمب هاب شیمیایی مورد حمله قرار داده بود و بیش از 5 هزار نفر انسان بیگناه و ستم دیده کرد از کوچک و بزرگ با بمب شیمیایی به قتل رساند و هزاران نفر دیگر مصدوم شدند و هنوز اهالی منطقه از اثرات آن بمباران در رنج و غم و غمنازی هستند. بر اساس برنامه کشتار طرح ریزی شده ابتدا تمام روستاها و مناطقی که حدت زده میشد پیشمرگ وارد آنجا شده اند، مناطق ممنوعه اعلام و توسط هواپیماهای جنگی بمباران شدند. در فرمان مربوط به این کشتار توصیه شده بود تمام بازداشت شدگان بین 15 تا 70 سال باید کشته شوند به غیر از کردهای وابسته به دم و دستگاہ صدام، مابقی کردهای این مناطق، دیگر شهروند عراق محسوب نمیشدند. بعد از بمباران شیمیایی حلبچه دو عملیات

تغییر اوضاع فلاکتبار خود باید کمبوده‌ایمان را بشناسیم و رفعشان کنیم. سازماندهی و سازمانیابی در ابعاد مخفی و علنی و آمادگی برای تشکل سراسری و وحدت عمل بر بستر هزاران اعتراض کارگری که اینجا و آنجا سازمان می‌گیرد از هر چیز برای ما حیاتی تر است. ما در کنار اعتراضات روزمره باید بتوانیم مبارزات و اعتصابات سراسری را سازمان دهیم و مهیای رهبری اعتراضات و مبارزات علیه حکومت و مناسبات سرمایه داری شویم، اگر نه سرکوب و ادبار و فقر ما را رها نمی‌کند. ما گامهای بزرگی برداشته ایم اما نبرد نهایی از ما چیزی کمتر از پیشروی مداوم در امر سازمانیابی نمی‌پذیرد. ایجاد و گسترش تشکل‌های کارگری و حفظ استقلال طبقاتی و ارتباط و پشتیبانی متقابل با رفقای کارگران در سطح جهان تنها ضامن پیروزی ما است. زنده باد همبستگی علیه سرمایه داری و برای آزادی و حاکمیت بر سرنوشت خویش!

زنده باد اتحاد و همبستگی جهانی کارگران بر علیه سرمایه

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
امضاها:

1- اتحاد فدائیان کمونیست

2- حزب کمونیست ایران

3- حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

4- سازمان راه کارگر

5- سازمان فدائیان (اقلیت)

6- هسته اقلیت

نگاهی به مهمترین چالش‌های طبقه کارگر ایران در سال ...

در پیاده کردن این استراتژی قبل از هر چیزی جنبش کارگری است که باتوجه به ساختار اقتصادی قبلی و فعلی ایران، اعتراضات و شورش‌های کارگری را اجتناب ناپذیر میسازد. مهار این جنبش‌ها و جلوگیری از رادیکالیزه شدن آنها تنها از طریق سرکوب در داخل و دامن زدن به جنگ و تشنج در منطقه و مبارزه کذائی با آمریکا، امکانپذیر و قابل مهار میتواند باشد.

سرمایه جهانی در راس آن امپریالیسم آمریکا نیز که خواهان تغییرات مورد نظر خود در ایران و سلطه در منطقه است، علاوه بر تشدید تشنج و بهره برداری از آن بمنظور باج ستانی از دولت‌های مرتجع منطقه، در رابطه با ایران نیز از رادیکالیزه شدن جنبش کارگری و خیزش توده‌های مردم، بیش از آن هراس دارد تا رفتن به پای سازش با یک رژیم که بتواند زیر سرنیزه سرکوب منویات آن را در ایران پیاده کند از این رو تاجائیکه منافع استراتژیک اش ایجاب بکند، حاضر است شاخ و شانه کشیدن‌های چنین رژیمی را تحمل کند، بشرطی که این پروسه چنان طولانی نشود که جنبش کارگری غیر قابل کنترل شده و به یک جنبش سوسیالیستی رادیکال تبدیل شود و تحولات از دست آنها خارج گردد. چون اگر چه هنوز در نبود جریان‌ات انقلابی و سوسیالیستی در منطقه جریان‌ات ارتجاعی اسلامی میدان دار مبارزه با باصطلاح «سلطه طلبی» غرب شده اند، اما امپریالیستها خوب میدانند که در ایران دیگر مذهب امتحان خودش را پس داده و باتوجه به یک انقلاب عظیم پشت سر، جنبش کارگری اگر مهار نشود و اوضاع به همین منوال سپری گردد، خطر یک انقلاب رادیکال کارگری و توده‌ای، هم

و سرکوب و زندانی کردن آنها، کارگران را از رهبران عملی خود جدا کنند و امکان سازماندهی و بوجود آوردن همبستگی و اتحاد در عمل کارگران را مانع شوند. و با فریبکاری، نمایندگان خود گماشته و شوراهای اسلامی را به جلو صحنه رانده و با دفاع ظاهری و مقطعی از مطالبات کارگران و با وعده و وعید‌های توخالی، در بین آنها اختلاف بیاندازند، از همبستگی و اتحاد کارگران واحد‌های مختلف جلوگیری بکنند و مبارزات آنها را منحرف و زیر سیطره خود در آورند.

در سال گذشته معادلات دیگری نیز در روند اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران وارد شد که بی تاثیر در ادامه مبارزات کارگران نیست.

امپریالیسم آمریکا با تشدید تحریم‌ها و وارد کرد سپاه پاسداران این ارگان سرکوب به لیست تروریستی خود، فشار به رژیم حاکم را بیشتر و بیشتر کرده و رژیم اسلامی نیز در عکس العمل به تصمیم آمریکا، متقابلاً مرکز فرماندهی آمریکا (سنتکام) را به لیست تروریستی خود افزوده است. بدین ترتیب دو ارتجاع سرمایه داری بیش از پیش در مقابل هم قرار گرفته و در حالی که هم چنگ و دندان نشان میدهند که مبارزات کارگران و توده‌های مردم برای خلاصی از رژیم ارتجاعی حاکم در حال رشد و گسترش مییابد. دانسته است که هم سرمایه جهانی در راس آن امپریالیسم آمریکا و هم سرمایه داری ایران در راس آن دولت اسلامی خواهان تغییرات در جهت هماهنگ شدن با سرمایه جهانی در پیش برد سیاست نئولیبرالی و استقرار یک نظام سرمایه داری نورمال و مرتبط بانظام جهانی سرمایه هستند.

معضل طبقه حاکم مبتنی بر نظام اسلامی

سال گذشته مبارزات کارگران وارد فاز جدیدی شد و گام‌هایی به جلو برداشت و دستاوردهائی را به همراه داشت که نه تشدید سرکوبگری رژیم و نه افت موقت این مبارزات نمیتواند این دستاوردها را از ذهنیت طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه بزداید و آنها را به عقب برگرداند.

همانطور که اشاره شد سال گذشته صد ها اعتصاب، تحصن، تظاهرات، بستن جاده ها، تعطیل کارخانه ها بوقوع پیوست و مبارزات کارگران نسبتاً گسترده و پر شور بود. اما بدون اینکه تاثیر همه جانبه این مبارزات را در مهار زدن به تعرضات رژیم و سرمایه داران انکار بکنیم و آن را بمثابة بزرگترین مکتب آموزش طبقه کارگر، حتی تارده‌های پائین آن در مواجهه با نظام سرمایه داری کم بها دهیم. اما این واقعیت را نباید از نظر دور داریم که این مبارزات هنوز از انفراد و پراکندگی خود بدر نیامده است.

اتحاد عمل پایدار حتی رشته‌هایی از صنایع و مراکز کارگری که با بحران‌های مشابه و خواست‌های مشابه دست به مبارزه میزنند، تحقق نیافته است و در عمومیت جنبش کارگری سطح آگاهی طبقاتی و سوسیالیستی در سطحی بسیار پائین قرار دارد. قابل انکار نیست که رهبران مبارزات کارگری که عموماً از طریق مجامع عمومی آنها انتخاب میشوند، بادرک ضرورت همبستگی سراسری طبقه کارگر در مواجهه با سرمایه داران و دولت تلاش زیادی برای کسب حمایت و همبستگی سایر کارگران میکنند. اما رژیم و سرمایه دارن هم با احساس خطر رشد آگاهی و همبستگی کارگران، تلاش میکنند با دستگیری و تهدید و تطمیع رهبران کارگری

نگاهی به مهمترین چالشهای طبقه کارگر ایران در سال ...

خود این تشکلهای به نحوی در پیاده کردن قوانین سازمانهای بین المللی سرمایه همدست سرمایه داران و دولت های حاکم هستند.

همینطور در روند جلب همبستگی و حمایت کارگران جهان باید با توده کارگران که بیشترین قربانیان اعمال سیاست های ریاضت اقتصادی نظامهای سرمایه داری هستند، ارتباط مادی و معنوی برقرار کرد. شعارها میباید ارتباط از پائین و کسب حمایت توده کارگران را تایید تشویق کند. چرا که اتحادیه ها با ادامه حرکت های رادیکال کارگران ایران که ناگزیر از انجام آن هستند، موافق نخواهند بود و از آنها به حمایت عملی بر نخواهند خواست و علاوه بر آن ارتباطات اقتصادی و سیاسی دولت خودی را به منافع کارگران ایران ترجیح خواهند داد. و در نهایت حمایت آنها از حد نامه نگاری فراتر نخواهد رفت. اما شناسایی موقعیت کارگران ایران توسط توده های کارگر و ارتباط از پائین با آنها موقعیت همبستگی جهانی و حمایت از کارگران را تقویت خواهد کرد. توده کارگران در موارد لزوم میتوانند مدافع عملی جنبش کارگری ایران باشند و برعکس روش اتحادیه های زرد، به حمایت های موثر و عملی دست بزنند.

* عدم پرداخت حقوقهای معوقه بستن کارخانه ها و مراکز تولیدی اخراجهای دسته جمعی یکی از موارد بسیار عمومی و مهمی است که طبقه کارگر ایران عموماً درگیر مبارزه با آن بوده است.

در این عرصه کارگران ایران بویژه کارگران پیشرو باید بدانند که امکان اینکه بتوانند در بلند مدت جلوی خصوصی سازی را بگیرند و یا مانع از تورم و افزایش قیمت ها، عدم پرداخت حقوقها و

کارگری نیز هست. مسئله نئولیبرالیسم یک سیاست جهانی سرمایه داری است و تهاجم سرمایه به کارگران و زحمتکشان، همانطور که اشاره شد در حد اخراجها، قراردادهای موقت و پائین بودن حقوق ها و غیره مسئله همه کارگران جهان است که با استفاده از تجربیات جنبش بین المللی کارگری میتوان با اتخاذ موضع، شعارها و مطالبات مشخص با شعارهای عمومی جهانی کارگران تا حدی که با وضعیت مشخص ایران انطباق داشته باشند، هماهنگ شد و پشتیبانی طبقه کارگر کشورهای مختلف را جلب کرد و همبستگی ملموستری با مبارزات کارگران جهان فراهم نمود.

اما در عین حال وضعیت طبقه کارگر ایران ویژه است. ویژه گی آن این است که مبارزات آن بدلیل ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران و... در درخواست های صنفی و اقتصادی متوقف نمیشوند. حرکت و اقدامات ضد سرمایه داری و ضد نظام این مبارزات در شرایط فعلی ایران از عنصر بسیار قوی ساختار شکن برخوردار است. بنا بر این در کفه خودش رادیکال، ضد سرمایه داری حاکم و سیاسی است، در عین حال بدلیل ایستادگی در برابر قوانین جهان شمول سرمایه داری یعنی نئولیبرالیسم و تبعات آن، بین المللی نیز هست.

* پس طبقه کارگر در همبستگی خود با کارگران جهان دارای منافع مشترک و در خیلی از موارد شعارها و مطالبات مشخص هستند. بنا بر این و لزوماً کارگران ایران شعارهای اول ماه مه خود را باید با توده کارگران جهان هماهنگ سازند، نه سران اتحادیه های بوروکراتیک و زرد، که

ایران و هم منطقه را تهدید میکند. لذا است که آنها اگر هم جنگ و درگیری را سازمان دهند نشانه این است که صبرشان تمام شده و احتمال میدهند که گسترش مبارزات رادیکال کارگری ممکن است اوضاع را برایشان غیر قابل کنترل کند. از اینرو جنگ آنها اگر اتفاق افتد نیز جنگی خواهد بود در راستای استراژی آن در منطقه و جهان و نیز جنگی خواهد بود بر علیه جنبش رادیکال کارگری و سایر جنبشهای رادیکال که میتوانند درخواست ها و برنامه کارگران رهائی خود را از قیود ظلم و ستم نظام حاکم جستجو کنند. خلاصه کلام میتوان مدعی شد که مبارزات کارگران و زحمتکشان در ایران برغم خواست های اقتصادی و عمدتاً دفاعی، در کفه خود و در تحلیل نهائی جدالی است اقتصادی و سیاسی که افت و خیز آن و سرانجام آن سرنوشت آزادی، دموکراسی و برابری و سوسیالیسم در جامعه ایران و تحولات عمیق اقتصادی و سیاسی در منطقه را رقم خواهد زد.

در نظر گرفتن برخی ضرورت هادر طرح

شعارها

روشن است که با تجزیه و تحلیل واقعیت های سیاسی اقتصادی، اجتماعی و روند مبارزات جاری است که میتوان از درون آنها به مطالبات و شعارهای محوری رسید. در رابطه با آنچه که درباره وضعیت عمومی جامعه و جنبش کارگری در این مقطع گفته شد. به برخی ضرورت هادر باره تعیین شعارها اشاره میکنم.

* درباره پیاده شدن سیاست های نئولیبرالیستی در ایران و اثرات آن سخن بسیار گفته میشود و موضوع مطرح در جنبش

نگاهی به مهمترین چالشهای طبقه کارگر ایران در سال ...

سرمایه به کاهش سطح زندگی کارگران است. روشن است که اگر این مبارزه بدون حفظ استقلال طبقاتی کارگران و یا جدا از مبارزه سیاسی آنها صورت گیرد، سر انجام به تبعیت از منافع طبقه سرمایه دار کشیده خواهد شد.

از این رو بی شبهه وظیفه کارگران پیشرو سوسیالیست متشکل در احزاب سیاسی و یا محافل کارگری است که ضمن رهبری مبارزات روز مره کارگران برخورد ها و اعتصابات منفرد را در یک مبارزه طبقاتی واحد سازمان دهند. این واقعیت را باید در نظر گرفت که هر تشکل کارگری ولو به شکل سندیکا و یا اتحادیه های صنفی به ناچار باید وضعیت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی جامعه را مدنظر قرار دهند و ارزیابی علمی واقع بینانه مارا باین نتیجه میرساند که مبارزه اقتصادی طبقه کارگر در شرایط فعلی تنها در ارتباط صحیح با مبارزه سیاسی میتواند به بهبود وضعیت اقتصادی آنها کمک کند. در این مبارزه توانمان است که تشکل سراسری و اتحاد اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر میسر میشود. و هر چه بیشتر پرچم الترناتیو سوسیالیستی در جنبش های اجتماعی آغاز به نمایان شدن مینماید. روندی که در آن بخش آگاه و پیشاهنگ پرتلاریا متحد و متشکل میشود و مبارزه طبقه کارگر برای دگرگونی های سوسیالیستی و شرایط لازم برای تحقق آن فراهم میشود.

در عین حال این تشکلهای بویژه کارگران پیشرو در عین فعالیت و رهبری مبارزات روز مره، اگر نتوانند هسته ها و حوزه های منسجمی از کارگران پیشرو تشکیل دهند که بتوانند با تلفیق کار علنی و مخفی به مبارزات کارگران تداوم بخشند...

توده کارگران جاگیر کنند که تشکل حق آنهاست و بدون تشکل امکان کسب خواست هایشان میسر نیست.

* اعتصاب تظاهرات و تجمعات حق ما است کسی نمیتواند آنرا از ما بگیرد. شعار **اعتصاب و تجمع و تظاهرات حق مسلم ماست**. ما باید از این تنها ابزار قدرت کارگری برای مقابله با تعرض نظام سرمایه داری و مبارزه برای کسب خواست های اقتصادی و سیاسی خود به نحو احسن استفاده بکنیم.

* دیده میشود که گاهی مطالبه آزادی های سیاسی و آزادی زندانیان سیاسی و کسب حقوق دموکراتیک در مواردی به خاطر اهداف مبارزاتی اقتصادی و کوتاه مدت کارگران مورد توجه لازم قرار نمیگردد و برخی از تجمعات کارگری از طرح چنین شعارهایی اجتناب میورزند و آن را «چپ رو» میدانند. در حالی که کارگران زیادی در زندان بسر میبرند و در هر اعتصاب نیز عده بیشتری دستگیر و روانه زندان میشوند، علاوه بر این، آزادی های سیاسی و حقوق دموکراتیک و آزادی اندیشه و بیان، بیشترین امکان را برای رشد آگاهی و تشکل و تحزب طبقه کارگر و پیش روی آن در مبارزات ضد سرمایه داری فراهم میکند. لذا شعار **برقراری آزادی های سیاسی و آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی** ربط مستقیمی پیدا میکند با خواست ها و مطالبات توده وسیع کارگران و همچنین خیلی زود به خواست های سیاسی عموم توده های مردم بسط پیدا کرده و آنها را به میدان مبارزات اجتماعی در کنار طبقه کارگر سوق میدهد.

* مبارزات اقتصادی و رفاهی کارگران یکی از ابزارهای ضروری مبارزه با گرایش نظام

سرداندن و اخراج های دسته جمعی بشوند. امکانی ناشدنی و توهمی بیش نیست. در آن صورت سرمایه داری سرمایه داری نمیشد. در چهارچوب نظام سرمایه داری حاکم بر ایران، کارخانه ها و صنایعی که باید خصوصی بشوند، خصوصی خواهند شد. کارخانه ها و صنایعی که در عرصه بازار آزاد سرمایه داری و تحت قوانین نئولیبرالیسم قادر به رقابت در بازارهای مصرف نیستند با همه عظمت شان با هرتعداد کارگری که داشته باشند، از دور خارج خواهند شد و کارگران آنها دیر یا زود اخراج و باز خرید خواهند گردید.

* از این رو در کنار شعار پرداخت حقوق های معوقه و برگرداندن کارگران اخراجی به سرکار هایشان که بمثابه اهرم فشار عمل میکنند. میباید خواستار **تامین اجتماعی همه شمول و حقوق دوران بیکاری** برای شاغلین و کل بیکاران بالای 18 سال بشوند. در شرایط کنونی شعار و مطالبه **تامین اجتماعی همه شمول** - میتواند هم طبقه کارگر و هم سایر زحمتکشان و حقوق بگیران را متحد کند و موقعیت رهبری طبقه کارگر را برای نبرد های بزرگتر تحکیم نماید.

* در مورد حق اعتصاب و حق تشکل که بعنوان درخواست مطرح میشود. کارگران باید به این واقعیت تاکید کنند و بر اساس آن عمل بکنند، که تشکل و تحزب حق طبقه کارگر و اتحاد جامعه است و هیچ کس دیگری نمیتواند به او بدهد و یابذل و بخشش کند، شعار کارگران باید این باشد که **همزنجیران و همکاران، خودمان باید تشکل مورد نیاز خویش را ایجاد کنیم**. ضرورت دارد پیشروان کارگری این شعار را تبلیغ ترویج و در ذهن

نگاهی به مهمترین چالشهای طبقه کارگر ایران در سال ...

برای توجیه این شعارنیز نمیتواند طراحان آنرا محق جلوه دهد. گارگران ایران اگر بیکارند خواستار کار باحقوق مکفی که بتواند رفاه عمومی امروزه آنها تامین کند، هستند. بیکاران نه دنبال تکه نانی برای رفع گرسنگی از تکاپا و مساجد و یا کمیته هائی نظیر کمیته امداد خمینی که همواره در حد رفع گرسنگی هر فقیری اعلام آمادگی کرده است، بلکه خواستار کار مسکن و تامین اجتماعی همه شمول و حقوق دوران بیکاری هستند. کارگران شاغل خواهان حقوق متناسب با یک زندگی مرفه امروزی هستند نه رفع گرسنگی. درحالیکه شعار کار - مسکن آزادی عمده خواست های طبقه کارگر و یک جامعه ازاد و مرفه را هدف گرفته و تا استقرار سوسیالیسم کما کان کاربرد دارد. با شعار کار - مسکن - آزادی به استقبال اول ماه مه 98 برویم.

رفرمیست و چپ و راست تکرارشد. اما واقعیت این است که شعار «نان» شعار مناسب دوران کنونی جنبش کارگری نیست و یک شعار انحرافی است و مبارزات و مطالبات کارگری را گامها به عقب میبرد. شعار «نان» را بلشویکها در انقلاب روسیه زمانی مطرح کردند که در خلال جنگ جهانی اول و بعد از آن میلیونها دهقان، سرباز از جبهه برگشته و کارگران بیکار در گرسنگی واقعی بسر میبردند و قحطی وحشتناکی بر سراسر کشور مستولی شده بود و صدها هزار نفر از گرسنگی میمردند و این شعار در همین رابطه مطرح شد. اما امروز ما شرایط روسیه آنزمان را نداریم. مردم برغم وضعیت وخامت بار اقتصادی از گرسنگی نمیگردند و محتاج تکه نانی نیستند که آنرا پرچم خود سازند. تفاسیر مختلف و متناقض

هیچ امیدی نخواهد بود که این تشکل ها یا به تشکلهای قاتونی تبدیل شوند که رژیم از آنها برا تعدیل مبارزات کارگران استفاده میکند و یاسر انجام در تحقق خواستهای هم طبقه های خود ناتوان شده و در نهایت مضمحل خواهند شد.

* سرانجام شعار مهم سراسری و پایه ای کار - مسکن - آزادی است که عمده خواست ها و مطالبات اقتصادی، سیاسی و رفاهی کارگران و عموم توده های زحمتکش را بیان می کند و تا استقرار سوسیالیسم بمعنی واقعی کلمه کاربرد دارد.

برخی از جریانات شعار «نان مسکن آزادی» و یا «نان کار آزادی» را مطرح میکنند و اخیرا در اعتصابات و تظاهرات کارگران نیشکر هفت تپه نیز این شعار مطرح شد و متعاقب آن این شعار از طرف برخی جریانات

اول ماه مه و ضرورت خواست تامین اجتماعی همه شمول

در شرایط کنونی شعار و مطالبه - تامین اجتماعی همه شمول - میتواند هم طبقه کارگر و هم سایر زحمتکشان و حقوق بگیران را متحد کند و موقعیت رهبری طبقه کارگر را برای نبرد های بزرگتر تحکیم نماید.

ما در دوره ای زندگی و مبارزه میکنیم که سرمایه جهانی شده و قوانین آن توسط ستادهای سرمایه جهانی نظیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی دیکته میشوند، کارتل ها و تراست ها و بانک ها و موسسات مالی بر زندگی بشریت حکم میرانند و طبقه سرمایه دار هر کشوری هم از آن سود میبرد. در شرایط فعلی و بدون تغییر توازن قوا به نفع کارگران، امکان این که مثلا خصوصی سازی ها متوقف بشوند، قیمتها افزایش نیابند، حقوقها بموقع پرداخت بشوند و اخراجهای دسته جمعی و... متوقف بشوند امکانی ناشدنی و توهمی بیش نیست. در آن صورت سرمایه داری سرمایه داری نمیشد. در چهارچوب نظام سرمایه داری حاکم بر ایران، کارخانه ها و صنایعی که باید خصوصی بشوند، خصوصی خواهند شد. کارخانه ها و صنایعی که در عرصه بازار آزاد سرمایه داری و تحت قوانین نئولیبرالیسم قادر به رقابت در بازار هانیستند با همه عظمت شان با هر تعداد کارگری که داشته باشند، از دور خارج خواهند شد و کارگران آنها دیر یا زود اخراج و باز خرید خواهند گردید.

* از این رو بسیار حیاتی است که در کنار شعار پرداخت حقوق های معوقه و برگرداندن کارگران اخراجی به سرکارهایشان، خواستار تامین اجتماعی همه شمول و حقوق دوران بیکاری برای شاغلین و کل بیکاران بالای 18 سال بشویم. در شرایط کنونی شعار و مطالبه - تامین اجتماعی همه شمول - میتواند هم طبقه کارگر و هم سایر زحمتکشان و حقوق بگیران را متحد کند و موقعیت رهبری طبقه کارگر را برای نبرد های بزرگتر تحکیم نماید.

زنده باد اول ماه مه روز تجلی همبستگی کارگران سراسر جهان

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

32 فروردین 98

درباره حداقل دستمزدهای امسال

... اعضای ضد کارگری این شورا قاعدتا تصمیمات خود را براساس قانون کار میگیرند که بر اساس آن میزان افزایش دستمزد میبایست بر اساس دو شاخص سبد معیشت خانوار و نرخ تورم تعیین شود که البته در هنگام تعیین دستمزدها حتی این قانون مورد تایید خودشان هم رعایت نمیشود.

علاوه بر اینکه پرداخت دستمزدها در بازار کار ایران از حداقلهای ممکن هم پائین است میدانیم که از سال گذشته تاکنون با پائین آمدن ارزش پول ملی و دوبرابر شدن قیمت بسیاری از کالاها سطح سبد معیشتی بسیار بالا رفته است و طبق اعلام مرکز آمار ایران نرخ تورم نسبت به سال گذشته ۴۲ درصد افزایش داشته است. و طبق برآورد کمیته دستمزد در حال حاضر حد اقل سبد معیشت خانوار سه و نیم نفره سه میلیون و ۷۶۰ هزار تومان میباشد. درحالیکه حداقل دستمزد درخواستی تشکلهای مستقل کارگری، بیش از پنج میلیون تومان را پیشنهاد کرده است. با این وجود شورای عالی کار با تصویب حد اقل دستمزد با ملحقات آن تا سقف یک میلیون و ۵۷۰ هزار تومان، در تعرض به حقوق و معیشت کارگران «سنگ تمام» گذاشته است. و کارگران تنها باگسترش مبارزه برای افزایش پایه دستمزدها براساس تامین نیازهای یک زندگی استاندارد و مرفه امروزی و مبارزه برای تامین اجتماعی همه شمول و حقوق بیکاری است که میتوانند متحدانه علیه سیاست های نظام سرمایه داری حاکم بر ایران مقابله کرده و نیروی کار و زحمت را پشتوانه پیروزی خودسازند.

بیانیه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بمناسبت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۹۸)

ادامه از صفحه ۳
و استعمار ...، مسئولیت تاریخی جنبش کارگری محسوب میگردد. سال گذشته در جریان اعتصابات شکوهمند کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز، شعارهای اعتصابیون، نظیر «اداره شورائی» و افشاگریهای آنها از تشدید استثمار و چپاولگریها، در میان اقشار مختلف تحت ستم استعمار جامعه پژواک مناسبی یافت. هرچند که این حرکت سرکوب شد، اما تاثیرات شعارها و مطالبات و اقدامات سازمانیافته و رادیکال آنها، که مورد پشتیبانی سایر زحمتکشان نیز قرار گرفت، در سهای فراموش نشدنی و تجربیات نوینی برای ادامه مبارزه و چگونگی تلفیق خواست های اقتصادی و سیاسی و پیوند مبارزات کارگری با مبارزات سراسری بر علیه نظام حاکم در برداشت. جمع بندی و بهره گیری درست از این تجربیات میتواند چشم انداز نوینی را در عرصه مبارزات جاری بگشاید.

از هم اکنون با برگزاری جلسات و مجامع عمومی در کارخانه ها و مراکز کارگری و با انتخاب کمیته های مشترک برگزاری اول ماه مه و تعیین شعارها و مطالبات خود، به پیشواز اول ماه مه برویم. اتخاذ تاکتیک های مناسب در مقابل تعرض احتمالی نیروهای سرکوبگر و سازماندهی و آرایش نیرو در

مقابل مراسم های فرمایشی، بردن شعارهای آزادیخواهانه و سوسیالیستی به میان توده کارگران و زحمتکشان، طرح شعار های استراتژیک و مطالبات اقتصادی و سیاسی فوری کارگران از جمله وظایف ما محسوب می شوند. روز اول ماه مه، شعارهای مطالباتی تمام بخش های کارگری را طرح و خواستار وحدت و تشکل کارگران برای تحقق آنها شویم.

مافیای قدرت و ثروت و کل نظام استثمارگر و سرکوبگر حاکم باید بدانند که طبقه کارگر ایران اگر چه سال قبل توانست با قدرت طبقاتی خود رژیم استبدادی سلطنتی متکی بر زور و سرنیزه را براندازد، اکنون که بر مراتب آگاه تر و آبدیده تر شده است، با استفاده از سلاح برنده خود یعنی اعتصابات عمومی و قیام مسلحانه، قادر است به حیات ننگین نظام حاکم نیز پایان دهد.

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر!
زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران سراسر جهان!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران
برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی ایران
زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۳ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ، واژگونی جمهوری اسلامی را بمنابیه برجسته ترین تکیه گاه نظام سرمایه داری حاکم بر ایران و سرسخت ترین دشمن آزادی طبقه کارگر و جایگزینی آن توسط یک جمهوری فدراتیو شورایی را وظیفه عاجل خود می داند .

برآمد جنبش کارگری در ایران و چشم اندازهای آن ...

در یکی از کلیپ های اعتصابات کارگران هفت تپه همگان دیدم که یکی از زنان کارگر در جمع همکارانش و در خطاب به آنها گفت که ایا سیر از گرسنه خیر دارد ؟ کارگران پاسخ دادند که نه و باز او در ادامه گفت که پس چرا و چطور برای ما کارگران تصمیم می گیرند ؟

با توجه با اینکه آگاهی طبقاتی از بستر تکامل مبارزه صنفی به مبارزه سیاسی بدست میاید ، ما در این دو جمله که از زبان هم طبقه ای مان گفته شد به وضوح این سیر تکامل را مشاهده می کنیم .
چشم انداز جنبش کارگری

به نظر من همزمان با تشدید بحران اقتصادی فشار اقتصادی باز هم بیشتری بر روی کارگران و اقشار تهی دست خواهد آمد یعنی علاوه بر سرشکن شدن بحران ساختاری اقتصاد ایران بردوش کارگران مسئله پیاده کردن قوانین نئولیبرالیسم هم بقول معروف قوز بالای قوز شده و به تبع آن تحمیل ریاضت اقتصادی بی حقوقی ، بیکارسازیهها و سرکوبها باز هم ادامه خواهد یافت، راه دیگری هم درمقابل نظام سرمایه داری ایران نیست جز اینکه دستورات بانگ جهانی و صندوق بین المللی پول را با خشونت تمام اجرا کند.

بی تردید پاسخ کارگران و توده های تهی دست مبارزه، و باز هم مبارزه خواهد بود. در جریان این مبارزه اینکه طبقه کارگر موفق به ارتقای سطح آگاهی و سازمانیابی خود بشود و توازن قوا را بسود خود بهم بزند و از این بحران پیروز و سرفراز بیرون بیاید امری است که به پارامترهای متعددی که دیکتاتوری

بستگی دارد که در این جا فرصت پرداختن به آنها نیست.

اما وظایف ما چیست؟
اگر اعتراضات کارگری و توده ای چند سال اخیر نوید بخش نقطه قوت جنبش است ، اما برعکس ضعف عنصر ذهنی و نبود رهبری یک دست بعنوان آلترناتیو حاکمیت جمهوری اسلامی بخوبی قابل مشاهده است . جنبش انقلابی طبقه کارگر و توده های محروم در ایران بیشتر از هر زمان دیگر به رهبری منسجم نیاز دارد ، رهبری که قادر باشد ارده توده ها را در چهارچوب طرحی مشخص سازمان دهد .

در قدم اول باید به این پراکندگی درون جنبش که همچون ویروسی تمام پیکر انرا فرا گرفته پایان داد . همگی ما با داشتن گرایشات گوناگون اهداف مشترکی داریم که برای رسیدن به این اهداف می توانیم در یک جبهه ی انقلابی بصورت منسجم مبارزات خود را به سرانجام برسانیم

در قدم بعد مسئله سازماندهی و کمک به سازمانیابی طبقه کارگر اساسی ترین وظیفه ایست که در برابر نیروهای انقلابی قرار دارد این سازماندهی قبل از هر چیز مستلزم سازماندهی آگاه ترین و پیشروترین بخش کارگران ، در کمیته های مخفی کارخانه است . در این امر باید از تجارب گذشته

جنبش انقلابی طبقه کارگر بیاموزیم. سازماندهی و رهبری مبارزه طبقاتی کارگران بویژه در شرایطی که دیکتاتوری

حاکم است و هرگونه فعالیت سیاسی کارگران با شدت سرکوب می گردد ، مستلزم ایجاد یک تشکیلات مستحکم ، مخفی ، منضبت و پایدار در میان کارگران است ، که ادامه کاریش در مبارزه تضمین شده باشد و پایه آنرا کارگرانی تشکیل دهند که در فن مبارزه با نیروی سرکوبگر رژیم مهارت داشته باشند و اصول و قواعد پنهانکاری را بدقت بکار گیرند . با انحرافات مختلف درون جنبش کارگری مبارزه مداومی را سازمان داد.

ما بعنوان مبارزین و پشتیبان در خارج کشور باید بتوانیم نقش پشت جبهه خود را به درستی ایفا کنیم . باید به سبک و شیوه های جدید برای کسب حمایت های عملی طبقه کارگر و دیگر اقشار جامعه که در طول روز با آنها در ارتباط هستیم جلب کنیم و تنها به دادن اعلامیه و اطلاعیه های حمایتی و غیره بسنده نکنیم .

داشتن یک رسانه پر قدرت مستقل از احزاب و سازمانها یکی دیگر از اولویت های جنبش هست که نیروها ی چپ و کمونیست باید بفکر آن باشند تا این رسانه بتواند صدا و تصویر مبارزات داخل کشور باشد و با برنامه های آموزشی به هدفمند کردن مبارزات یارای رساندن.

به این امید که بتوانیم اتحاد و انسجام خویش را مستحکم تر سازیم ، تا بتوانیم به وظایف خود درقبال جنبش کارگری جامعه عمل ببوشانیم .

کار ، مسکن ، آزادی !

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست خود را وفادار به سنتهای مارکسیسم ، متکی به تجارب جنبش کمونیستی و بلشویسم و مسلح به تئوری سوسیالیسم علمی میداند و خود را ادامه دهنده مانیفست کمونیست و حرکت تاریخی کمونیستهای ایران و جهان بشمار می آورد .

ایش . ایو . آزادلیق ! کار . خانوو . نازادی !

(انقلاب ایران و وظایف پرولتاریا)

درباره گذار مسالمت آمیز (بخش یکم)

بخش دوازدهم

بودن این ایده را قبلاً ثابت کردیم (اما این همه مطلب نیست ، وقتی پرولتاریا در راس دوران قرار داشت لاجرم جنبش آن طبقه محتوای اصلی و جهت اصلی تکامل دوران را معین می کرد که پدیده های نمونه وار آن عبارت بود از انقلابات پرولتری ، جنبشهای آزادیبخش ، جنگهای امپریالیستی و ضد امپریالیستی ، پس حالا که پرولتاریا از راس دوران به زیر کشیده شده و تضاد بین اردوگاه کشورهای سوسیالیستی با اردوگاه کشورهای امپریالیستی ، بجای کار و سرمایه ، نیروهای مولده و مناسبات تولیدی نشانده شده ، مساله " جنگ و صلح حادثترین مساله زمان می شود " ، وظیفه پرولتاریا و خلقهای تحت ستم که از ستم و استثمار به تنگ آمده اند ، نه مبارزه و جنگ و انقلاب بلکه بقول خروشچف و پیروان او عبارت است از اینکه " هیچگونه اختلاف سیاسی مذهبی و دیگر تفاوتها نباید مانع از وحدت همه نیروهای طبقه کارگر عیله خطر جنگ گردد " (56) .

براستی که از این روشن تر نمی توان مارکسیسم-لنینیسم را به استهزا کشیده مبارزه طبقاتی را نفی و م - ل را از روح انقلابی و پیکار جوی آن تهی کرد ! خروشچف و پیروان او انگار از قبل می دانستند که این فرمولبندی که مبنای خود را بر صلح و مصالحه طبقاتی گذاشته است حداقل به این سوال باید پاسخ دهد که وظیفه پرولتاریا و سایر زحمتکشان که در سراسر جهان بر علیه امپریالیسم و سرمایه داری به پا خواسته اند چیست ؟ از این روست که اپورتونیسم همیشه نسخه های از پیش آماده ای در آستین دارد که بظاهر پر زرق و برق و مطمئن اما تو خالی است . لذا در جواب چنین فضولیهائی گفته می شود " نیروی تعیین کننده در مبارزه ضد امپریالیستی نظام

در این فرمولبندی گفته می شود که در عصر کنونی " نظام سوسیالیستی عامل قاطع تکامل جامعه است " ، خواننده با کمترین دقتی متوجه می شود که منظور نویسنده (حداقل در این فرمولبندی) از جامعه ، جامعه ای نیست که در آنجا پرولتاریا به پیروزی رسیده و سوسیالیسم برقرار شده باشد ، در اینجا بدیهی است که عامل قاطع تکامل چنین جامعه ای جز نظام سوسیالیستی چیز دیگری نمی تواند باشد و همه مارکسیستها در این مورد متفق القولند که در جامعه ای که انقلاب سوسیالیستی به پیروزی رسیده و نظامات سوسیالیستی بجای نظامات کهنه بورژوائی برقرار شده است عامل قطعی تغییر کیفیت جامعه و عامل اصلی محو بقایای اقتصاد ، سیاسی ، فرهنگی و غیره ... نظامات کهنه ، همانا نظام سوسیالیستی است و این امر در سراسر پروسه گذار به جامعه کمونیستی صادق است ، اما در واقع اینطور نیست و منظور نویسنده در اینجا اعلام سرپوشیده این مطلب است که برخلاف نظر لنین ، پرولتاریا (طبقه کارگر در عرصه بین المللی) در راس دوران قرار نگرفته و نمی تواند محتوای عینی ، خصوصیات اصلی و جهت اصلی تکامل آنرا معین کند . به عبارت دیگر در عرصه جهانی این تضاد کار و سرمایه نیست که عامل قطعی تکامل پدیده است بلکه این تضاد بین کشورهای سوسیالیستی و کشورهای امپریالیستی منتقل می شود ، تضادی است اصلی ، در عین حال مجرد و مستقل از سایر تضادها (که غیر مارکسیستی

همانطور که در صفحات قبل گفتیم ، خروشچف تجدید نظر در باره مارکسیسم لنینیسم را محدود یعنی محصور نکرده بلکه بتبع تحلیل های واژگونه از عصر کنونی این انحرافات ناگزیر بسط پیدا کرده از ظاهر به باطن ، از سطح به عمق تمامی عرصه های مبارزه طبقاتی پرولتاریا و تئوری آن مارکسیسم - لنینیسم را در برگرفته است . همه جا تلاش شده تا مارکسیسم - لنینیسم را از محتوای انقلابی آن تهی کرده و آنرا به یک لیبرالیسم متعارف تبدیل کنند . از جمله شاهکارهای خروشچف رد انقلاب قهرآمیز و موعظه گذار مسالمت آمیز است .

خروشچف در پی تجدید نظر در مضمون و محتوای عصر کنونی که ما آنرا عصر سوم - عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری ... نا میدیم از جمله این ویژگیهای اصلی را از آن (از فرمولبندی که در کنگره به تصویب رسید) بیرون کشید که " نظام سوسیالیستی بصورت عامل قاطع تکامل جامعه در میاید " ، جنگ و صلح حادثترین مساله زمان است " ، تضاد اصلی دوران ما تضاد بین دو سیستم جهانی سوسیالیستی و امپریالیستی است " ، هیچگونه اختلاف سیاسی مذهبی و یا دیگر تفاوتها نباید مانع از وحدت همه نیروهای طبقه کارگر علیه خطر جنگ گردد ، نیروی تعیین کننده در مبارزه ضد امپریالیستی نظام سوسیالیستی جهانی است " (55) .

اما این ارزیابی چه ارتباطی با گذار مسالمت آمیز " (پارلمانتاریستی) پیدا می کند ؟

درباره گذار مسالمت آمیز...

سوسیالیستی جهانی است " اما تمامی این تئوری با فیها علیرغم اینکه بنام " نظام سوسیالیستی جهانی " هم بقول خروشچف که نیروی تعیین کننده در مبارزه ضد امپریالیست، زیب و زینب داده شود، باز هم در رابطه با رشد تضادهای عینی واقعا موجود سرمایه داری، همچنین مبارزات قهر آمیز پرولتاریا و سایر زحمتکشان در تضاد و تناقض قرار می گیرد. لذا چگونه می توان هم مبارزه طبقاتی را علیه امپریالیسم، سرمایه داری وابسته و سگهای زنجیری آنها گسترش داد و در مقابل سرکوب و کشتار ددمنشانه ارتجاع سیاسی که مشخصه روبنای سرمایه داری وابسته است به نبرد مسلحانه پرداخت، و تمام منافع امپریالیسم و انحصارات غارتگر آنها به مخاطره جدی انداخت، در عین حال طالب همه و هر نوع صلحی شد و آنها بعنوان حادثترین مساله زمان در دستور قرار داد؟! اما به این سوال اساسی هم که از پراتیک مبارزه طبقاتی ناشی می شود، چنین پاسخ داده می شود: " همزیستی مسالمت آمیز، اساس استراتژی کمونیسم در دوران معاصر است " و کمونیستهای سراسر جهان باید مبارزه بخاطر همزیستی مسالمت آمیز را اصل اساسی سیاست خود قرار دهند " (58). اما روشن است که تز همزیستی مسالمت آمیز فوق نمی تواند بر مبنای رسالت تاریخی پرولتاریای جهان استوار باشد. ما قبلا نشان دادیم که این تز نه در چارچوب مناسبات بین کشورهای سوسیالیستی پیروزمند با سایر کشورها بلکه به مناسبات میان طبقات تعمیم داده می شود و بعنوان " بهترین و یگانه راه قابل قبول برای حل مهمترین مسایلی است که در برابر

جامعه قرار دارد " (59) لذا نه در خدمت انقلاب جهانی بلکه در خدمت پاسیفیسم قرار دارد. اما هنوز بر تضاد و تناقضات فوق از لحاظ تئوریک جواب مناسب داده نشده است. بالاخره هدف مبارزه طبقاتی پرولتاریائی که هنوز به قدرت نرسیده و خلقهایی که هنوز تحت ستم سرمایه مالی قرار دارند را نمی شود نادیده گرفت. هدف مگر رسیدن به سوسیالیسم نیست؟ بسیار خوب! اما برای این سوال هم نسخه از پیش تعیین شده ای در آستین هست، خروشچف در گزارش خود " پاره ای مسائل اساسی مربوط به تکامل بین المللی کنونی ". جواب این معما را بدین گونه می دهد: " ... اکنون در این رابطه این مساله مطرح می شود که آیا می توان با استفاده از ابزارهای پارلمانی به سوسیالیسم گذر نمود؟! و خود پاسخ می دهد: " چنین مسیری برای بلشویکهای روسیه وجود نداشت، از آن پس وضعیت تاریخی تغییرات اساسی کرده است که برخورد تازه به مساله را می طلبد " می گوید " چگونه برخوردی؟ "، " طبقه کارگر با متحد کردن دهقانان ستمدیده، روشنفکران و تمام نیروهای وطن پرست بگرد خود و طرد قاطعانه عناصر اپورتونیست!! یک اکثریت ثابت در پارلمان بدست آورده و پارلمان را از یک ارگان دمکراسی بورژوائی (در اینجا خروشچف از دمکراسی بورژوائی صحبت می کند که مربوط به دوران اول بوده و در عصر امپریالیسم هیچگونه زمینه ای نداشت و یک ایده آل ارتجاعی است که شاید 150 سال قبل، آن موقع که بورژوازی بر علیه فنودالیسم و کهنه پرستی جنگید، موضوعیت داشت) به یک ابزار راستین اراده خلق!!! تبدیل کند " آنقدر مساله در مورد صغرا و کبرا چیدن های قبلی روشن است که احتیاج به تفسیر

ندارد " وضعیت تاریخی (بخوان مضمون و محتوای عصر) تغییر اساسی کرده است "، " چنین مسیری برای بلشویکهای روسیه وجود نداشت " بنابراین لنینیسم که عبارت است از " بطور کلی تئوری و تاکتیک پرولتاریا، بطور اخص تئوری و تاکتیک دیکتاتوری پرولتاریا " و مارکسیسم عصر امپریالیسم بطور کلی منسوخ شده از این رو پرولتاریا و خلقهای تحت ستم نه از طریق مسالمت آمیز تلاش کنند و از طریق کسب یک اکثریت ثابت در پارلمانهای بورژوائی " آنها به یک ابزار راستین اراده خلق تبدیل کند " ... خروشچف بر علیه لنینیسم درست از همان سلاح زنگ زده ای استفاده می کند که زمانی رهبران انترناسیونال دوم، امثال کائوتسکی، بر علیه لنین بدست داشتند و باتفاق منشویکها قصد داشتند بین پرولتاریا و بورژوازی را آشتی داده و در مناسبات میان آنها " تفاهم " و " همزیستی " برقرار کنند، ولی آیا چنین چیزی امکان پذیر شد؟ لنین می گفت: " اکنون با فرهنگ ترین و دمکرات ترین بورژواها هم برای نجات مالکیت خصوصی خودروی وسایل تولید، از هیچگونه فریب، جنایت و کشتار میلیونها نفر کارگر و دهقانان ابا ندارند " و تاکید می کند که " هرگونه خیال باطل درباره تبعیت مسالمت جویانه سرمایه داران از اراده اکثریت استثمار شوندهگان و هرگونه گمانی درباره گذار مسالمت آمیز و رفرمیستی به سوسیالیسم نه تنها حد اعتدالی تنگ نظری بی شعورانه می باشد بلکه مستقیما فریب کارگران، پرده پوشی برده داری و مزدوری سرمایه داری و مخفی کردن حقایق است " (تزه های وظایف اساسی. دومین کنگره انترناسیونال. لنین).

درباره گذار مسالمت آمیز...

حال بقول آذربایجانیها (داغلارل و جالیب یا نریمان قوجالیب) کوهها بزرگ شده یا نریمان پیر شده ، حال عصر امپریالیسم تغییر کرده یا شما به موضع رویزیونیسم در غلطیده اید؟ همانگونه که در صفحات قبل متذکر شدیم ، مضمون و محتوای عصر بقوت خود باقیست ، تنها چیزی که تغییر کرده سست شدن پایبندی شما به مارکسیسم - لنینیسم است که به چنین انحرافات وحشتناکی دچارتان کرده است . آقای خروشچف در عصر امپریالیسم و سیادت سرمایه مالی و ارتجاع هار سیاسی از ما می خواهد در برابر تالانگری و سبعت بورژوازی ، " مسالمت " پیشه کنیم و در حالیکه ملیونها ملیون از ما توسط سرمایه به گرسنگی و فلاکت کشیده می شوند ، در حالیکه هزار هزار از ما در زندانها ، شکنجه گاهها و پای چوبه های دار و تیر باران ارتجاع امپریالیستی قربانی مطامع پایان ناپذیر سرمایه میشوند در حالیکه کوچکترین خواسته ما در حد خواسته های صنفی و رفاهی مورد شدیدترین سرکوبها قرار می گیرد ، دست روی دست بگذاریم و منتظر باشیم تا ببینیم کی مورد عنایت بورژوازی قرار می گیریم و به هیچوجه باعث " تشدید تضادها نشویم که به پایه های صلح جهانی لطمه می زند " ! در مورد این همه غارتگری و وحشی گری که در حق پروولتاریا و توده های زجر دیده روا می دارند ، ما کمونیستها حق تبلیغ و ترویج و برانگیزاندن توده های زجر کشیده را بر علیه امپریالیسم و پایگاههای داخلی آن نداریم ، هیچگونه صحبتی هم از اعتصاب عمومی سیاسی ، قیام مسلحانه و بطور کلی اعمال

قهر علیه سلطه بورژوازی را نداریم ، فکر کردن به سرنگون کردن قهرآمیز بورژوازی و برقراری دیکتاتوری پروولتاریا از گناهان کبیره است ، چون " همزیستی مسالمت آمیز حکم قاطع زمان و خواست آمرانه دوران !!! است " (60). اساس سیاست خارجی ما و تمام احزاب کمونیست است " " ایجاد تنش کرده و به آن دامن می زند " !! استالین در مقابل این خط و مشی که تلاش می کرد ناسیاست خارجی انقلاب اکتبر را نفی کرده و با قرار دادن همزیستی مسالمت آمیز بعنوان اساس سیاست خارجی نسبت به جنبشهای انقلابی و مبارزات پروولتاریا بی توجهی نمایند می گفت : " ما سیاست انقلابی را همچنان در پیش می گیریم و پروولتاریا و ستمدیدگان کلیه کشورها را بگرد طبقه کارگر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی متحد می سازیم و در آن صورت سرمایه بین المللی و به هر وسیله مزاحم حرکت ما به پیش می شود ، و یا ما از سیاست انقلابی خود سرباز می زنیم و در برابر سرمایه بین المللی در در اصول به یک سلسله گذشته دست می زنیم و در آن صورت شاید سرمایه بین المللی از کمک در کار تنزل کشور سوسیالیستی مان به جمهوری بورژوائی (نیکوکار) دریغ نکند " . آمریکا از ما می خواهد که اصولا از سیاست پشتیبانی از جنبشهای ازادبخش طبقه کارگر سایر کشورها امتناع ورزیم و همه چیز به مجرای خوب می افتاد . اگر ما به چنین گذشته تن در می دادیم ... ولی آیا به چنین گذشته می توان تن در دارد " و جواب می دهد " خیر ، ما نه به این گذشت و نه به نظایر آن نمی توانیم تن در دهیم و بخود خیانت کنیم " (61) .

اما خروشچف ادعا می کند که همه اینها مربوط به گذشته دور است ، آنچه که باید استراتژی و تاکتیک کمونیستها بر آن قرار گیرد عبارت است از حرکت " مسالمت آمیز " در جهت بدست آوردن یک اکثریت ثابت در پارلمان " بورژوائی و تبدیل آن با توجه به این اکثریت " از یک ارگان دمکراسی بورژوائی به یک ابزار راستین اراده خلق " و گذر تدریجی و یواش یواش به سوسیالیسم ، بدون اینکه از دماغ کسی خون ریخته شود !! . آقای خروشچف فراموش نکرده اند که جناب کائوتسکی هم هر چند که جرات ریخته شود !! . آقای خروشچف فراموش نکرده اند که جناب کائوتسکی هم هر چند که جرات نداشتند اینطور آشکارا مارکسیسم را تحریف کرده و به تبلیغ آشتی طبقاتی دست زدند ولی آنها هم درست همین را می گفتند که امروز بعد از گذشت دهها سال توسط خروشچف و یاران او طرح و تبلیغ می شود ، لنین ان موقع می گفت :

" ادعای کائوتسکی نسبت به سال 1847 که مانیفست کمونیست متشکل نمودن پروولتاریا را بعنوان طبقه حاکمه اعلام نمود ف گامی است به پس " . حال باید اذعان کرد که جناب کائوتسکی نسبت به خروشچف چند دهسال (مترقی) بوده است ، بدین معنی که اگر فاصله 1847 تا 1920 را 72 سال در نظر بگیریم ، فاصله 1848 تا 1960 تقریبا آینده دوازده سال به عقب رفته و صحبت می کند ، آن هم از " دمکراسی " که هیچگونه محدودیتی اعم از سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی و غیره ... برای پروولتاریا و سایر زحمتکشان قائل نبوده و با سرمایه داران ، زمین داران و بطور کلی با ستمگران و استثمارگران دارای حقوق مساوی هستند .

درباره گذار مسالمت آمیز ...

عجبا ، واقعا آقای خروشچف چشمانش را بسته خیال می کند شب است کائوتسکی از جمله می گفت " وظیفه اعتصاب توده ای هیچگاه نمی تواند انهدام قدرت دولتی باشد . بلکه فقط می تواند این باشد که حکومت را در مورد مساله معینی وادار به گذشت کند و یا حکومتی را که با پرولتاریا سر خصومت دارد به حکومتی تبدیل نماید که از وی حسین استقبال کند ، ولی هیچگاه و در هیچ شرایطی این امر یعنی (غلبه پرولتاریا بر حکومتی که با وی سرخصومت دارد) نمی تواند به انهدام قدرت دولتی منجر گردد بلکه فقط می تواند تغییرات معینی را در تناسب قوا در درون قدرت دولت موجب شود .

هدف مبارزه سیاسی ما هم در این ضمن همانطور که تاکنون بوده عبارت خواهد بود از به کف آوردن قدرت دولتی از راه تحصیل اکثریت در پارلمان و تبدیل پارلمان به نیروی مسلط بر حکومت " (تاکید از ما) . خواننده ملاحظه میکنند که اگر بجای " اعتصاب توده ای " کائوتسکی بعنوان ابزار (که در ضمن نسبت به " ابزار و اسلوب " خروشچف رادیکال تر است) " رقابت اقتصادی و همزیستی مسالمت آمیز " مبارزه پارلمانی " جناب خروشچف را بگذاریم ، دیگر هیچگونه تفاوتی در مضمون و مفهوم فرمولبندی های آنها وجود نخواهد داشت . اگر در زمان کائوتسکی در برخی جوامع اروپایی کورسوهایی از دمکراسی بورژوازی باقیمانده بود ، امروز در دوران ما ، حتی کمترین حرفی هم از دمکراسی بورژوائی زدن ارتجاع محض و فریب کارگران است و تمامی آن کورسوها به طاق نیسان سپرده شده است ... اما لنین در جواب می گوید " این

دیگر خالص ترین و رذیلانه ترین اپورتونیسیم و دست کشیدن از انقلاب در کردار ، در حال قبول آن در گفتار است ، کائوتسکی فکرش از " حکومتی که از پرولتاریا حسن استقبال کند فراتر نمی رود و این نسبت به سال 1848 یعنی هنگامی که " مانیفست کمونیست " متشکل نمودن پرولتاریا را بصورت طبقه حاکمه ، اعلام نموده بود ، گامی است به پس که در راه کوتاه بینی برداشته شده است " (62) بدین ترتیب هم کائوتسکی و هم خروشچف اساسی ترین بنای مبارزه طبقاتی پرولتاریا را که توسط مارکس ، انگلس و لنین تئوریزه شده و درستی آن توسط پراتیک مبارزه طبقاتی به اثبات رسیده ، به فراموشی می سپارند ، از لحاظ تاریخی فرق بین خروشچف و مائوتسکی عبارت است از این که کائوتسکی و همفکران او محصول یک دوره رکود نسبتا طولانی در مبارزه قطعی پرولتاریا بودند ، هنگامی که پرولتاریا در حال جمع آوری و تجدید و تدارک قوا و هنوز باندازه کافی (از نظر خودشان و بورژوازی) از صلح اجتماعی و عدم لزوم طوفان در شرایط دمکراسی بورژوازی " تعریف و تمجید نکرده بودند که طوفان انقلابات اوایل قرن بیستم و مبارزه بی آمان مارکسیستهای واقعی و در راس آنها لنین ، آنها را بصورت بیرحمانه ای افشا و طرد نمود ، اما خروشچف ف برعکس بعد از سهمگین ترین " طوفانها " و بهتر است بگوئیم در خلال آن خواب آرامش بعد از



طوفان را می بیند ، بدببیری خروشچف در آن است که او زمانی راه و روش اپورتونیستها و رویزیونیستهای انترترناسیونال دوم را می رود و ترهات آنها را تکرار می کند که نزدیک به نیمی از جمعیت جهان زیر پرچم ظفرنمون پرولتاریا و بصورت قهرآمیز ، سرمایه داری و تمام مرتجعین را در جوامع خود بگور سپرده اند . خروشچف زمانی دست به تبلیغ و ترویج و زینب پارلمان بورژوازی زده است که این ارگان خدعه و نیرنگ و سرکوب بورژوازی به حد اعلا ی پوسیدگی و اضمحلال خود رسیده است و در میان کلیه زحمتکشان بعنوان یکی از ابزارهای تحمیق و سرکوب توده ها افشا شده و از اعتبار افتاده است . ادامه در شماره آینده ...

کار کمونیستی آخر هرماه زیر نظر هیئت سیاسی سازمان اتحاد فداییان کمونیست منتشر می شود .

برای تماس با سازمان اتحاد فداییان کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از آدرسهای زیر تماس بگیرید :

.....
روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

Kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azar@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karj@fedayi.org